

مریم دهقان از سال‌هایی می‌گوید که فعالیت اجتماعی، او را به اهالی نزدیک‌تر کرد

پل زدن بین خانم‌های محله



ایستگاه اول

سال ۱۳۹۱ بود که فرمانده پایگاه بسیج مسجد شدم. همان زمان بسیج جامعه زنان اعلام کرد پایگاه‌ها، مهد کودک راه اندازی کنند. مسجد فضای لازم را داشت و من هم دست به کار شدم. وسایل تزئینی برای مهد درست کردم و اتاق‌ها را تزئین کردم. حالا نزدیک چهارده سال است کودکان محله و حتی محله‌های اطراف از این مهد استفاده می‌کنند.



میترا صدر / برای مریم دهقان، محله ایثارگران فقط محل زندگی نیست؛ پانزده سال فعالیت اجتماعی و فرهنگی در این محله، خاطرات زیادی برایش ساخته است. او که ۴۶ سال پیش در محدوده مصلی به دنیا آمد، از نوجوانی عضو پایگاه بسیج بوده و پس از سکونت در ایثارگران نیز فعالیتش را در پایگاه بسیج مسجد امام خمینی (ره) ادامه داده است. دهقان به دلیل فعالیت منظمش فرمانده پایگاه شد و از آن زمان، بخش زیادی از خاطراتش با اهالی محله گره خورده است.

ایستگاه دوم

«پاتوق دختران مروارید» را برای جذب نوجوانان به پایگاه راه انداختم. در این سال‌ها همراه همین دختران به دیدار خانواده شهدا می‌روم. یکی از دیدارهای خاطره انگیزم با خانم ام البنین خجسته، مادر شهیدان محمد و غلامرضا سلامی بوده است. هر بار که به دیدنش می‌رویم، به من می‌گوید: «تو مثل خودم هستی، مواظب دخترانت باش.»



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

پنج سال پیش با کمک مدیر دبستان دخترانه شهدای صنف شیرینی سازان، طرح شهید بهنام محمدی را برای دانش آموزان اجرا کردیم. در این طرح مربیان مسجد با دانش آموزان دوست می‌شوند و آن‌ها را به مسجد دعوت می‌کنند. سال اول خودم مربی بودم و بابا بازی، احکام و داستان‌های قرآنی را به بچه‌ها آموزش می‌دادم. ارتباطمان آن قدر خوب شد که بعد از گذشت چند سال، بچه‌ها هنوز سراغم رامی گیرند و جویای احوال من می‌شوند.



ایستگاه پنجم

چند ماهی است که عصرها همراه تعدادی از همسایه‌ها به بوستان رافونه در خیابان صفدری نژاد ۱۸ می‌رویم تا با حضور بیشتر اهالی، به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کنیم. برای اینکه همسایه‌ها را به شرکت در دورهمی تشویق کنم، همان روز اول در گروه اعلام کردم که «تخمه این دورهمی بامن!» استقبال خانم‌ها خیلی خوب بود و همان دورهمی اول، روز شیرین و خاطره انگیزی برایمان رقم خورد.

ایستگاه ششم

سال گذشته، قبل از دهه فجر، فهمیدم مادری یکی از ساکنان محله در جریان اتفاقات ده دی سال ۱۳۵۷ به شهادت رسیده است. خودش هم که آن زمان باردار بوده، مجروح شده و فرزندش را از دست داده بود. با کمک خواهران بسیجی تصمیم گرفتیم روبه روی منزلشان در خیابان شهید صدوقی ۶، یادواره شهید صدیقه همدانی را برگزار کنیم. میز و صندلی چیدیم و از زهرامسعودی، تقدیر کردیم.



با کمک خواهران، خیریه شهید بهشتی را راه اندازی کردیم و هر سال چند سری جهیزیه و سیسمونی آماده می‌کنیم. امسال با شروع ماه ربیع الاول، برای عروسی که می‌خواست راهی خانه بخت شود، مشغول آماده کردن جهیزیه شدیم. وسایل کمی داشتیم، اما اهالی در عرض چند روز کمک کردند و وسایل فراهم شد.

